

کاهش ظرفیت تولید نفت و نقش پارس جنوبی

این روزها از اُفت ظرفیت تولید نفت کشور خبر می‌رسد. بعد از اظهارات بعضی از نمایندگان مجلس در این زمینه، مقامات وزارت نفت و شرکت ملی نفت ایران نیز اُفت تولید را تأیید کرده‌اند و تنها در مورد میزان آن اختلاف نظر وجود دارد. سؤال اساسی این که در حالی که طبق برنامه چهارم قرار بوده است که ظرفیت تولید نفت کشور به حدود 5 میلیون بشکه در روز برسد چرا نه تنها این برنامه تحقق نیافته بلکه نسبت به ظرفیت تولید موجود در ابتدای برنامه نیز کاهش داریم؟ در پاسخ این سؤال وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران به عدم تخصیص منابع مالی لازم برای سرمایه‌گذاری در جهت اُفت تولید اشاره می‌کنند. همچنین مدیرعامل شرکت ملی نفت عامل تحریم خارجی و عدم امکان تأمین تجهیزات لازم را نیز اضافه می‌کند. بعضی دیگر تغییرات پدربنی و گسترده مدیریتی، نبود دانش و اشراف کافی بسیاری از مدیران ذیربط و نیز ضعف برنامه‌ریزی و روشن نبودن برنامه‌های توسعه منابع هیدروکربنی در صنعت نفت را عامل اصلی می‌دانند. البته همه این عوامل مؤثرند، اما به نظر می‌رسد به عوامل دیگری نیز باید توجه کرد.

اغلب میادین بزرگ نفتی کشور که از سطح تولید بالایی برخوردارند و عمده نفت کشور را تولید می‌کنند در دوران کهولت و یا در نیمه دوم عمر تولید خود و در ناحیه نزولی منحنی تولید قرار دارند. از میان ده‌ها میدان نفتی کشور بیش از سه میلیون بشکه با بیش از 70 درصد آن تنها از 12 میدان، بیش از 2/3 میلیون بشکه از آن تنها از 6 میدان (اهواز (لایه‌های آسماری و بنگستان)، مارون، گچساران، آغاجاری و کرنج و پارس) تولید می‌شود که

اغلب بیش از 50 سال از زمان اکتشاف و بهره‌برداری از آنها می‌گذرد.

متوسط تولید هر چاه نفت در مناطق خشکی کشور که در اوج خود در بین سال‌های 1349 تا 1351، بیش از 26000 بشکه در روز بوده است اینک به کمتر از 2000 بشکه در روز کاهش یافته است و تعداد چاه‌های تولیدی که در اوج تولید نفت ایران در سال 1352 حدود 270 چاه بوده است اینک به بیش از 1500 چاه تولید رسیده است.

در چنین شرایطی حفظ سطح تولید کاری دشوار است و نیازمند برنامه‌ریزی، اعمال مدیریت قوی، سرمایه‌گذاری کافی و بکارگیری فناوری‌های لازم.

بخشی از جبران افت و تولید میادین نفتی موجود باید از طریق اکتشافات جدید و به بهره‌برداری رساندن میادینی که جدیداً اکتشاف شده و می‌شوند صورت گیرد و بخش دیگر و شاید بخش عمده‌تر باید از طریق اجرای طرح‌های توسعه و افزایش بازیافت از میادین موجود نفتی، جبران شود.

در مورد میادین جدید اکتشاف و میادینی که ممکن است در آینده کشف شوند (علیرغم آنچه بعضاً تبلیغ می‌شود) به هیچ‌وجه نباید انتظار داشت که میادین عظیم و در حد و اندازه میادین قدیمی باشند، چرا که بزرگترین میادین نفتی کشور در اولین مراحل اکتشافی در شرایطی که امکانات و تجهیزات اکتشافی محدودتر بوده‌اند خود را آشکار کرده‌اند و با پیشرفت فناوری، و به تعبیری با بزرگ شدن ذره‌بین‌ها، میادین کوچک‌تر و با ذخیره محدودتر شناسایی می‌شوند. بنابراین توسعه و بهره‌برداری از میادین جدید هرگز تکافوی افت تولید میادین قدیمی

را نخواهد کرد و حتماً باید به توسعه و افزایش بازیافت میادین قدیمی توجه شود.

اما در میان اقدامات لازم برای حفظ ظرفیت تولید میادین قدیمی و افزایش بازیافت، هیچ اقدامی مهمتر از تزریق کافی گاز به میادین نفتی نیست. بدون تزریق کافی گاز به میادین نفتی علاوه بر اُفت تولید، لطمات جبران‌ناپذیری نیز به میادین وارد خواهد شد که با تداوم آن، تولید نفت این میادین غیر صیانتی خواهد شد. به این معنا که ضریب بازیافت نفت از این میادین کاهش خواهد یافت و به عبارتی بخشی از نفت قابل بازیافت برای همیشه غیر قابل استخراج خواهد شد.

در طول برنامه چهارم گاز مورد نیاز برای تزریق در میادین نفتی معادل 230 میلیون مترمکعب در روز برآورد شده بود که البته برخی این رقم را بسیار کمتر از نیاز میادین نفتی اعلام کرده‌اند با این وجود، در عمل میزان گاز تزریقی به میادین نفتی هرگز از متوسط 70 میلیون متر مکعب یعنی کمتر از يك سوم هدف تعیین شده تجاوز نکرده است.

در این میان نقش کلیدی توسعه میدان پارس جنوبی آشکار می‌شود. تأخیر در توسعه فازهای مختلف این میدان مشترک گازی، تنها به ضررها و عدم‌النفع‌های عظیم عقب افتادن از رقیب و از دست دادن سهم گاز خود برای همیشه، محدود نمی‌شود، بلکه چنانچه اشاره شد، موجب عدم تأمین کافی گاز و وارد شدن خسارات جبران‌ناپذیر به میادین نفتی نیز شده است. البته خسارات مربوط به توقف یا زیر ظرفیت کار کردن بسیاری از واحدهای پتروشیمی به دلیل کمبود خوراک (گاز یا میعانات گازی) را هم باید اضافه کرد که خارج از موضوع این نوشتار است.

ملاحظه می‌شود که در چنین شرایطی، هیچ اولویتی بالاتر از توسعه میدان پارس جنوبی و به بهره‌برداری رساندن فازهای مختلف آن، برای صنعت نفت و حتی برای کشور وجود ندارد و با این وصف جایز نبود که منابع حاصل از فروش اوراق مشارکت برای توسعه پارس جنوبی، صرف امور دیگری مانند پرداخت یارانه‌ها شود و شایسته است که این ارقام هرچه سریعتر به صنعت نفت و طرح توسعه پارس جنوبی، بازپرداخت شود.

در بخش بالادستی صنعت نفت، علاوه بر مشکلات مربوط به اکتشاف و استخراج و حفر چاه و مهندسی مخازن نفتی و به عبارتی مسائل مربوط به زیر زمین، اینک با مشکل تأسیسات سطح الارضی هم روبرو هستیم. در دوران قبل از انقلاب با جهت‌گیری تولید 6 تا 8 میلیون بشکه نفت، متناسباً تأسیسات فرآوری روزمینی، مانند واحدهای بهره‌برداری، نیز طراحی و ساخته شده بود که به دلیل وسعت این تأسیسات و کاهش میزان تولید در دوره بعد از انقلاب و با وجود خسارات دوران جنگ، از اضافه ظرفیت نصب شده استفاده می‌شد، اما اکنون این تأسیسات هم با فرسودگی و مشکل روبرو هستند که نیاز به کار و فعالیت و سرمایه‌گذاری را مضعف می‌کند.

مسائلی مانند قطع وابستگی بودجه جاری کشور به درآمد نفت، در نظر گرفتن ظرفیت جذب کشور در وارد کردن درآمدهای نفتی به اقتصاد و نگرانی از بروز بیماری‌های هلندی و امثال آن، مسائل بسیار مهمی هستند اما مسأله صنعت نفت نیستند. صنعت نفت وظیفه دارد که طبق برنامه، نفت تولید کند و بصورت صیانتی هم تولید کند، و مراجع قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی کشور اگر تشخیص دادند که درآمد نفت کشور بیش از نیاز برنامه‌های توسعه و بیش از ظرفیت جذب کشور است، باید با مکانیزم‌های ذخیره ارزی جلو نشت بیش‌از

اندازه این درآمدها به اقتصاد کشور را مسدود کنند. در شرایطی که صنعت نفت کشور با اُفت تولید میادین نفتی و ده ها مشکل قدیم الذکر برای انجام تعهدات و پیشبرد برنامه های خود مواجه است، طرح این تز و ایده در صنعت نفت که: "به اندازه ظرفیت جذب اقتصاد نفت تولید کنیم و مگر با بقیه درآمد نفت چه شده است که این درآمد را با تولید بیشتر نفت بیشتر کنیم"، علاوه بر اینکه دخالت در اموری فراتر از وظایف صنعت نفت است، خطرناک بوده و می تواند موجب رخوت بیشتر در پیشبرد طرح ها و پروژه های ضروری و فوری این صنعت بشود. همچنین حاکم شدن این ایده در صنعت نفت می تواند به بهانه و پوششی برای ضعف های مدیریتی مبدل گردد. حتی در سطح ملی هم اگر در شرایط بی محدودیت و بی مانع رونق سرمایه گذاری در صنعت نفت جهت افزایش قابل توجه ظرفیت تولید بودیم، شاید این گونه حرف ها جای طرح داشت، اما امروز در معرض اُفت و کاهش شدید ظرفیت تولید نفت هستیم و تنها برای جلوگیری از کاهش سالانه حدود 7 تا 10 درصدی میزان تولید و حفظ سطح تولید فعلی، هزاران تلاش باید صورت گیرد.